

شجاعت تفکر

محسن آزموده

محمد مهدی اردبیلی برای علاقه‌مندان فلسفه نامی آشناست و به ویژه آنها که به فلسفه موسوم به قاره‌ای (اروپایی) و مخصوصاً فلسفه آلمانی علاقه‌مند هستند، حتماً اسم او را شنیده‌اند و برخی کتاب‌ها یا مقالاتی را که او نوشته یا ترجمه کرده، خوانده‌اند یا دست‌کم با آنها مواجه شده‌اند. او فارغ‌التحصیل دکتری فلسفه غرب از دانشگاه تبریز و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است و همزمان در چند انتشارات شناخته شده، مسوول بخش فلسفه است. کارنامه اردبیلی در حوزه تالیف و ترجمه آثار فلسفی پر بار است که از آن میان می‌توان به این عناوین اشاره کرد: «آگاهی و خودآگاهی در پدیدارشناسی روح هگل» (تالیف، 1390)، «هگل، از متافیزیک به پدیدارشناسی» (تالیف، 1394)، ترجمه «پدیدارشناسی روح هگل» به همراه مسعود حسینی (1399)، ترجمه «واسازی هگل (نقدهای دریدا بر هگل)» به همراه مهدی پارسا- (1393)، «پرتاب‌های فلسفه (1399)»

محمد مهدی اردبیلی تا سه سال پیش در حوزه عمومی نیز فعال بود و علاوه بر تدریس فلسفه و شرکت در همایش‌ها و نشست‌ها، در رسانه‌ها و فضای مجازی حضور چشمگیری داشت و به مناسبت‌های مختلف به نوشتاری یا گفتاری واکنش نشان می‌داد. اما سال 1398 نامه‌ای خطاب به مخاطبان خود در عرصه عمومی منتشر و کناره‌گیری خود از هر گونه فعالیت عمومی و آکادمیک را اعلام کرد و نوشت: «پروژه‌ای که در طول ۱۵ سال گذشته بدان اشتغال داشته‌ام (هم در حوزه سخنرانی و تدریس در فضای آکادمیک و غیرآکادمیک فلسفه، هم در حوزه تالیف و ترجمه آثاری در سنت هگل پژوهی و هم در حوزه مداخلات روشنفکری) از نظر من پایان یافته است. دیگر ایده تازه‌ای ندارم و هر چه بگویم تکرار همان سخنان به شیوه‌های مختلف است و ترسناک‌ترین سبک زندگی برای یک متفکر درافتادن به تکرار و رضایت دادن به تمجید و تحسین مخاطبان و شاگردان مشتاق است.» در طول سه سال گذشته، جز برخی کتاب‌های تالیفی و ترجمه‌ای، خبری از محمد مهدی اردبیلی در حوزه عمومی نبود. اما اردیبهشت ماه سال جاری متن کوتاه تازه‌ای از او در فضای مجازی منتشر شد که در آن نوشته بود: «در طول سال‌های فعالیتیم در حوزه فلسفه غرب، به ویژه فلسفه هگل، به عنوان پژوهشگر، مترجم و معلم، همواره با مساله نیهیلیسم (اعم از نیهیلیسم معرفتی، اخلاقی، سیاسی و غیره) درگیر بوده‌ام. اما در سال‌های اخیر مواجهه‌ای تمام‌عیار با آن پیدا کردم تا جایی که در سال ۱۳۹۸ تمام مبانی معرفتی و معیارهای اخلاقی خود را غیرقابل اتکا یافتم و خود را به تمامی در بن‌بست دیدم و نیهیلیسم، در تمام ابعادش، چنان بر ذهن و زیست من حاکم شد که نمی‌توانستم آن را نادیده بگیرم و به روال سابق مانند یک مترجم، مفسر، سخنران یا معلم، همچون کبک سر در برف، به کارم ادامه دهم، چراکه هیچ رویکردی را نمی‌یافتم که حتی برای خودم قانع‌کننده یا قابل قبول باشد و زندگی‌ام را معنا ببخشد، چه رسد به اینکه آن را برای دیگران ترجمه، تفسیر یا تدریس کنم. از همین رو تصمیم گرفتم در عین اذعان به ناامیدی، ناتوانی و ضعف خودم، دست به قمار بزنم و چیزی تازه را بجویم و از همان سال ۱۳۹۸ پروژه‌ای شخصی را آغاز کردم که به تدریج چنان اولویتی برایم یافت که در تابستان سال ۱۳۹۹ خود را ناچار دیدم پس از انجام تمام تعهدات قبلی،

بدون اطلاع‌رسانی صریح در خصوص پروژه آتی‌ام حتی برای دوستان نزدیکم، از تمام فعالیت‌های سابقم کناره بگیرم و مشخصاً روی پروژه فکری و کاری جدید در مواجهه با نیهیلیسم متمرکز شوم».

اردیلی در ادامه متن مذکور نوشته بود که اوایل زمستان گذشته، به فهرستی کلی از نظام مدنظرش دست یافته و نسخه‌ای ابتدایی از آن را در اختیار برخی دوستانش قرار داده. سپس بعد از دریافت نظرات انتقادی آنها و بازنویسی متن، ویراستی تازه از آن را به عنوان ویراست نخست جلدنخست یک نظام فکری و عملی، با هدف فراخواندن تخیل انتقادی مخاطبان منتشر کرده است. حاصل کتابی است که نسخه پی‌دی‌اف آن به رایگان با عنوان «اصول مبارزه در زمانه نیهیلیسم (ویراست نخست)» در دسترس است. این کتاب در 693 صفحه شامل یک مقدمه با عنوان «پروبلماتیک: نیهیلیسم و معنای زندگی»، هفت فصل، موخره‌ای با عنوان «به سوی امید» و بخش ضمیمه با عنوان «تمرینات تقویت سوژه» در چهار بخش منتشر شده است. واکنش‌های اولیه از سوی علاقه‌مندان به فلسفه و مخاطبان نویسنده، چنانکه انتظار می‌رفت، متفاوت بود. متأسفانه عمده این عکس‌العمل‌ها، تند و تیز و به احتمال قریب به یقین، بدون مطالعه کامل متن صورت گرفته است. بسیاری کلیت طرح ادعایی مولف را مورد هجمه قرار داده‌اند و آن را کلی‌گویانه، غیرفلسفی، پرمدعا، نادقیق، مبهم و... ارزیابی کرده‌اند. خود مولف هم در کتاب (صفحه 558) چنین واکنش‌هایی را پیش‌بینی کرده است. البته کتاب بازخوردهای مثبتی هم داشته و بسیاری آن را نشانه شجاعت و جسارت ستایش‌برانگیز یک استاد فلسفه در ارایه دیدگاه‌های خود و تدوین یک نظام فلسفی ارزیابی کرده‌اند. ایشان معتقدند که زمان ترجمه و تکرار حرف متفکران دیگر و نگارش شرح‌ها و شرح بر شرح‌ها سرآمده و مدعی فلسفه، باید مستقلاً به اندیشیدن خطر کند و از ارایه نتایج تفکرش، به ویژه وقتی با استدلال عرضه می‌شود، به خود هراس راه ندهد.

«اصول مبارزه در زمانه نیهیلیسم» چنانکه از عنوانش بر می‌آید، سیطره نیهیلیسم در زمانه حاضر (حدوداً از 135 سال پیش) را مفروض گرفته و هدف خود را تبیین اصول مبارزه در شرایط نیهیلیستی خوانده است. نویسنده به این منظور کوشیده ضمن معرفی نظریه نظام‌های تمثیلات با استفاده از آنچه منطق پلاستیک و منطق آلیاژی می‌خواند، نظام تمثیلات موجه خود را عرضه کند. اردیلی در کتاب با اتکا به آنچه «تصمیم به مبارزه» خوانده، نوعی «هستی‌شناسی ایدئالیستی پویشی پلاستیک» ارایه کرده و تلاش کرده نظام تمثیلات موجه خود را در سطوح نظری هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی توضیح دهد. سه‌گانه «آگاهی، آمادگی، قاطعیت» عناصر اصلی این نظام تمثیلات هستند. او همچنین به میانجی فصولی در زمینه غایت‌شناسی، در سطح عملی هم به بازآرایی نوعی فلسفه اخلاق و سیاست دست زده. بخش پایانی کتاب، شامل تمرین‌هایی برای تقویت و آماده‌سازی سوژه برای پذیرفتن وظیفه خطیر مبارزه در زمانه نیهیلیسم است.

بحث مستوفی درباره کتاب «اصول مبارزه در زمانه نیهیلیسم» فراتر از حوصله مجال کوتاه کنونی است و هدف این مختصر تنها معرفی کلی این اثر، نویسنده‌اش و زمینه‌های پدید آمدن آن است. بی‌تردید این کتاب مثل هر اثر دیگری باید مورد مطالعه جدی و دقیق قرار بگیرد و درباره نقاط قوت و ضعف استدلال‌های نظریه‌ای که در آن طرح شده، به دور از جنجال و هیاهو بحث شود. قدر متیقن آن است که محمدمهدی اردیلی، با نگارش این کتاب شجاعانه به اندیشیدن خطر کرده و دست به کاری ستایش‌برانگیز زده، به خصوص که او در حوزه فلسفه قاره‌ای، آثار ارزنده‌ای را تالیف و ترجمه کرده و خبرگی خود را در این زمینه نشان داده است.